

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۸ می ۲۰۱۲

قیامت، بهشت و دوزخ

در ادیان بزرگ

بخش هفتم

حال که از نوع ساختمان بهشت، میوهجات و وسعت بهشت و نعمت‌های خداوندی در بهشت آگاه شدیم چون رؤیائی شدم از این که جای بدی نیست بد نخواهد بود تا سیر مکرری در این بهشت نمائیم و ببینیم چه نوع موجوداتی از چه چیز های آن لذت می برند . تا آنجا که آیات قرآنی و احادیث محمدی و نوشته‌های دنباله روان نشان می دهد، بهشت تا یک اندازه‌ای شکل اختصاصی برای مردان دارد؛ مثلاً تهیه حوران بهشتی و غلمان و.... برای رفع شهوت آقایان و هر قدر جست و جو نمودم تا مزایا و نعمت‌های برای زنان در آن‌ها پیدا کنم کمتر نتیجه گرفتم. اگر هموطنان خوب من راجع به حقوق و مزایائی که زنان در بهشت به پاس پاکی و اعمال نیکی که انجام داده‌اند مستحق و مستفید می‌شوند در جائی از قرآن یا احادیث نبوی متوجه شوند لطفاً آنها را بنویسند تا نسل در بند و زجر کشیده ای به نام زن از آن حقوق و امتیازها آگاهی یافته حد اقل باعث دلخوشی شان گردد.

چیزی که من در باره استحقاق خانم‌ها در بهشت خواندم چنین است. سوره توبه آیت ۷۲ (خدا به مردان و زنان مؤمن باغ‌های وعده داده که از زیر آنها نهر های جاری است و جاودانه اند و منزل های پاکیزه در بهشت عدن. و خوشنودی خدا از همه این‌ها برتر است و این است سعادت بزرگ). همچنان در سوره واقعه آیات ۳۴ تا ۳۸ چنین می خوانیم: (برای بهشتیان همسران بلند مرتبه می باشد ما آن‌ها را آفرینش نوینی بخشیدیم و همه را دوشیزه و باکره قرار دادیم . زنانی که تنها با همسر شان عشق می وزرند و خوش بیان و فصیح و هم سن و سالند این‌ها همه برای اصحاب یمین است) یک کسی توضیح بدهد که منظور از (همسر) چیست؟؟ و امام صادق به ابو بصیر گفتند : (در بهشت نهر آبی است که در دو طرفش حوریه ها صف کشیده‌اند و هرگاه مؤمن به یکی از آنان مایل گردد و او را برای خودش از جایگاه خودش بر می دارد پس خداوند در جای او حوریه دیگری می آفریند.

در اینجا ابتداء به این حوران بهشتی و غلمان می پردازم. بعداً یک کمی هم متکی بر روایات دنباله روان اعراب در باره حقوق زن در بهشت تماسهائی خواهم گرفت.

در قرآن برای کسانی که معتقد به اسلام هستند وعده‌های زیادی در بهشت داده شده است که از جمله دو نعمت

مخصوص مردان است و زنان از آن‌ها هیچ بهره ای ندارند و آن دو نعمت برای ارضای ضرورت‌های جنسی مردان می باشد. یکی از آن دو نعمت حورهای بهشتی که نهایت زیبا روی و نازک توصیف شده‌اند و دومی آن خلمان که پسران نو جوان و زیبا روی هستند می باشد و یا شاید هم این غلمان برای خانمهای بهشتی باشد؟؟ اما با خواندن آیت ۲۴ سوره طور که از ضمیر مذکر «لهم» استفاده شده است و چنین می گوید: (و يطوف عليهم غلمان لهم كأنهم لولو مکنون) ترجمه دری: و بر گرد آنها «مردان» غلمانشان می گردند که مانند مروارید در صدف پنهان «دست نخورده» هستند) و این صفات قرآنی در مورد غلمان دقیقاً مانند صفت حوریان است که در سوره واقعه آیت ۲۳ آمده است.

آیات قرآنی در باره حورهای بهشتی و غلمان چنین است. سوره الرحمن آیت ۵۶ (در آن‌ها «باغ‌های بهشتی» زنانی هستند چشم نگهدار از نا محرم و هیچ انس و جن قبلاً با آن‌ها تماس نگر فته است) سوره الرحمن آیت ۷۴ (زنانی که هیچ انس و جن قبلاً با آن‌ها تماس نگر فته است)

سعید به جبیر از بن عباس روایت کرده است که گفت: شنیدم رسول خدا می فرمود: در شب اسرا به بهشت داخل شدم و نوری دیدم که به چهره ام خورد از جبرئیل پرسیدم: این نوری که دیدم چی بود؟ گفت: ای محمد: این نور مهر و ماه نبود بلکه یکی از کنیزکان بهشتی علی بن ابی طالب بود که از قصرش پدیدار شد و به تو نگرست و خندید و این نور از دهانش بیرون آمد او در بهشت همواره می گردد تا هن گامیکه امیر مؤمنان به بهشت وارد شود. (هدایت گران راه نور- زندگینامه چهارده معصوم از آیت الله سید محمد تقی مدرسی جلد اول) همچنان رسول خدا فرمودند: و کسی که سی روز از رجب را روزه بگیرد منادی از آسمان ندا می دهد: ای بنده خدا! گذشته هایت آمرزیده شد در باقیمانده عمر خود عملت را از نو شروع کن و خداوند در تمام بهشت ها در هر بهشتی چهل هزار شهر از طلا به او خواهد داد که در هر شهری چهل هزار قصر در هر قصر چهل هزار خانه در هر خانه ای چهل هزار سفره و در هر سفره چهل هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار نوع خوردنی و نوشیدنی وجود دارد که هر کدام از این خوردنیها و نوشیدنیها رنگ جداگانه ای دارند. در هر خانه ای چهل هزار تخت از طلا وجود دارد که اندازه هر کدام از این تخت ها دو هزار زراع در دو هزار زراع است و بر هر کدام از این تخت ها دختری از حور العین است که هر کدام از آن‌ها سیصد هزار زلف جلو پیشانی از نور دارند هر کدام از این زلفها را یک هزار دختر خدمتگار خرد سال حمل نموده و با مشک و عنبر خوشبو می نمایند تا روزه دار رجب پیش او بیاید. تمام این‌ها برای کسی است که تمام ماه رجب را روزه بگیرد (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال مؤلف شیخ صدوق ترجمه ابراهیم محدث بندریگی) چاپ دوم (یک محاسب خوب اگر لطف نمایند زحمت بکشند این همه قصر و زلف و حوریه را که برای یک روزه دار ماه رجب تهیه شده است محاسبه نموده و غرض معلومات خوانندگان بنویسند تا روشن شوند)

(سعید بن جبیر می گوید: از بن عباس پرسیدم کسی رمضان را روزه بگیرد و حق آن را بشناسد چه پاداشی دارد؟ او در جواب گفت: آماده شو بن جبیر تا چیزی بتو بگویم که گو شهایت آن را نشنیده و بر دلت نگذشته است. و خود را برای آن چیزی که از من پرسیدی فارغ ساز که آنچه پرسیدی علم اولین و آخرین است. سعید بن جبیر میگوید: رفتم و فردا به هنگام طلوع فجر به سرعت خودم را به او رسانیده نماز صبح را خواندم و مطلب را یاد آوری نمودم. او به من رو کرده و گفت:

آنچه را می گویم بشنو. از رسول خدا شنیدم که فرمودند: اگر می دانستید در رمضان چه پاداشی برای شما نهفته است بیش از این شکر می کردید. در روز ششم خداوند صد هزار شهر در بهشت به شما عطا می کند که در هر

شهری صد هزار خانه و در هر خانه ای صد هزار تخت از طلا است که درازی هر تخت هزار زراع است و بر هر تختی همسری از حور العین است که سی هزار زلف روی پیشانی دارد که بادر و یاقوت بافته شده است که هر زلفی را صد کنیز حمل می کند . در روز بیست و هشتم خداوند در بهشت جاوید صد هزار شهر از نور برای شما قرار می دهد. در جنت الماوی (نوعی از بهشت) صد هزار قصر از نقره در جنت النعیم (بهشت نعمت) صد هزار خانه از عنبر اشهب (نوعی عنبر خالص) در جنت فردوس (نوعی از بهشت) صد هزار شهر که در هر شهری هزار اتاق است در بهشت جاوید صد هزار منبر از مشک که درون هر منبری هزار خانه از زعفران و در هر خانه ای هزار تخت از در و یاقوت و بر هر تختی همسری از حورالعین است به شما عطاء می نماید.

حال که صحبت از بهشت و نعمت های آن می باشد لازم دیدم تا چند سطری از نوشته دانشمند بزرگوار (آقای سید هاشم سدید) را که زیر عنوان (شما مخیرید) در دهم دسمبر ۲۰۱۱ در همین پور تال گرانمایه آزادگان به نشر رسیده نقل نمایم تا این بهشتی با این همه خصوصیات ضد و نقیض و غیر ضروری که در اسلام مطرح و به اثر کوشش دنباله روان و چند نوکر شیخک های عرب شاخ و پنجه داده شده است بهتر ارزیابی گردد . نوشته آقای سدید چنین ادامه پیدا میکند:

(..... اگر حضرتی به نام آیت الله عبدالحسین دستغیب بگوید: هر مؤمنی که شهید می شود در بهشت قصری انتظارش را می کشد که در آن هفتاد حجره است و هر حجره ای دارای هفتاد تخت است و بر هر تختی هفتاد فرش گسترانیده اند و بر هر فرشی هفتاد حوری نشسته و انتظار آن شهید کشته شده در راه اسلام را می کشد) مصلحت آنست که سکوت کنیم و الا تجرید می شویم و یا به مقاصد سیاسی خود - بخوانید به قدرت - نمی رسیم > چه باید کرد ؟ خیر و صلاح ما در چیست ؟ در گفتن این که شما بر طبق گفته قرآن از هفتادو دو تا حوری برای هر مؤمن در بهشت سخن می زنید به چه دلیل و به اساس کدام منبعی بالاتر از قرآن به رقم بیست و چهار ملیون و ده هزار حوری برای هر مؤمن در بهشت رسیده اید ؟ یا در سکوت و میدان دادن به این پاره گوئی های مخدوش کننده پاره گوئی های که هیچ معیاری غیر از نام و ریش برای گویندگان چنین سخنانی مورد نظر شان نیست ؟ هفتاد حجره در هر حجره هفتاد تخت بر هر تخت هفتاد فرش و بر هر فرش هفتاد حوری برای یک مؤمن ؟ آنهم در اطراف حوضی که طول آن از صنعا تا بصره است جالبتر از این عدد جام های است که برای نوشیدن آب این حوض استفاده می شود . جام های به عدد ستارگان آسمان ؟؟ بهتر است سخن را از زبان خود این عالم دین بشنویم . جناب شان در این خصوص می فرمایند : طول حوض کوثر از صنعا تا بصره است و به عدد ستارگان آسمان جام در اطرافش می باشد که به دست حور العین پر می شود).....جناب شان (آقای سدید) به ادامه می نویسند: اگر قرار باشد عرض هر فرشی را که برای هفتاد حوری اختصاص داده شده است با چیزی کمتر از یک و نیم سانتی متر فاصله میان هر حوری هفتاد متر حساب کنیم عرض مجموع فرش های یک تخت بالغ می شود به چهار هزار و نه صد متر . اگر ۴۹۰۰ متر را که عوض مجموع فرشهای یک تخت است ضرب در هفتاد تخت در یک حجره کنید و حاصل آن را ضرب در هفتاد - حجره - کنید رقمی که به دست می آید بالغ می شود به ۲۴۰۱۰۰۰۰ متر که برابر است به بیست و چهار هزار و ده کیلو متر . . اگر با گشاده دستی فرض را بر آن قرار بدیم که محیط حوضی که فاصله آن از صنعا تا بصره تصور شده است بیست و چهار هزار و ده کیلو متر باشد تمام اطراف این حوض تنها برای قصر و حجره ها و تخت ها و فرش ها و حوری های یک مؤمن هم اکتفا نمی کند.)

بلی هموطن مسلمان من این آیت الله ها، حجة الاسلام ها، حضرت و نقیب و مولوی و پیشنماز، ملا و ده ملا، طالب و چلی و غیرذالک دهن پاره های بی مغز، بی آبرو و بی عزتی هستند که صرف به خاطر گرفتن امتیازهای

مادی از طرف شیخک های عرب و استعمار جهانی هر چه در زبان شان آمد می گویند و هر چه هم خواستند برای فریب مردم می نویسند چون یقین دارند مغز های انسانی مردم سر زمین های مستعمره نگهداشته شده چنان به خواب های رؤیائی رفته که بیدار شدن شان به زعم آنها کار مشکلی خواهد بود ؟

ادامه دارد